

«الگوهای ارتباطی مفهومی عزت، حکمت و مصلحت انقلابی با توجه به

شکل گیری تمدن نوین اسلامی»

سمیه عرب¹

چکیده

شکل گیری تمدن نوین اسلامی مستلزم عزت، حکمت و مصلحت انقلابی است. «تمدن نوین اسلامی» دارای شاخصه هایی همچون: ایمان، معرفت، جهاد، عدالت و اخلاق، عقلانیت، اقتصاد، رسانه و روابط بین الملل است و هنگامی که این شاخصه ها به طور صحیح در جامعه عینیت پیدا کنند، تمدن نوین اسلامی که همان جامعه مهدوی است تحقق پیدا خواهد کرد. عوامل و شاخه های عزت، حکمت و مصلحت انقلابی عبارتند از: علم و پژوهش، اقتصاد قوی، عدالت و مبارزه با فساد، عزت ملی، روابط خارجی و مرزبندی با دشمن. هدف نوشتار حاضر، شناخت الگوهای ارتباطی مفهومی عزت، حکمت و مصلحت انقلابی با توجه به شکل گیری تمدن نوین اسلامی است. این مقاله با روش توصیفی تحلیلی و مطالعه کتابخانه ای انجام شده است. نتایج این نوشتار این است که: عزت، حکمت و مصلحت سه ضلع موفقیت یک کشور هستند و شکل گیری تمدن نوین اسلامی مستلزم عزت، حکمت و مصلحت انقلابی است و گام دوم، انقلاب را «به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحناfade) هست» نزدیک خواهد کرد.

کلیدواژه: عزت، حکمت، مصلحت، انقلاب اسلامی، تمدن نوین اسلامی، بیانیه ی گام دوم انقلاب

مقدمه

روح تمدن اسلامی، با بعثت خاتم پیامبران بر کالبد جامعه انسانی دمیده شد و در مدینه، نبی اکرم (ص)، هسته نخستین تمدن اسلامی را پی ریزی کردند و کم کم، نسیم آن، فضاها ی دیگر را در نوردید و به سرزمین های دیگر راه یافت و امت ها و ملت ها را دگرگون کرد. اسلام با فرهنگ و اندیشه ناب و والای خود، راه را برای هر چه شکوفاتر شدن تمدن

¹ طلبه سطح دو حوزه علمیه ریحانه الرسول تهران

اسلامی هموار کرد. اکنون تمدن نوین اسلامی، با الهام و استفاده از فرهنگ پرمایه و والای دین مبین اسلام و بهره‌وری از تجربه ملت‌ها و تمدن‌های پیشین، تمدنی بی‌بدیل شد. و انسان را در باور و رسیدن به حقانیت وعده‌های الهی و تمدن نوین مدد نمود. پیرامون مقاله حاضر می‌توان به دو پیشینه اشاره کرد: مقاله اول: مستندات قرآنی بیانیه گام دوم انقلاب، رحیم ابوالحسینی و مقاله دوم: مراحل دستیابی به تمدن اسلامی، عباسعلی فرزندی. سوال اصلی پژوهش حاضر این است که: نقش الگوهای ارتباطی مفهومی عزت، حکمت و مصلحت انقلابی با توجه به شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی چیست؟ در قالب سه سوال فرعی مانند شاخصه‌هایی تمدن نوین اسلامی، عوامل عزت، حکمت و مصلحت انقلابی، و شاخه‌های عزت، حکمت، و مصلحت انقلابی به آن پرداخته شده است.

1. مفهوم‌شناسی

1.1 مفهوم تمدن

واژه تمدن در عربی معادل «الحضارة» است و ابن خلدون در تعریف آن گفته است: «إن الحضارة هي أحوال عادية زائدة على الضروري من أحوال العمران. إن الحضارة غاية العمران و نهاية عمره و أنها مؤذنة بفساده» (ابن خلدون ۱۹۶۰: ۶۵۶/۱) مدنیت و تربیت پذیری یک جامعه را تمدن می‌نامند. (حییم ۱۹۹۵/۱۱۷) این واژه در فرهنگنامه‌های فارسی به معنای شهرنشینی و همکاری‌های لازم در جامعه شهری تعریف شده است. (دهخدا ۱۳۷۷/ ذیل واژه تمدن؛ عمید ۱۳۸۹: ۵۳۰/۱) نظم اجتماعی در ابعاد سیاسی، اقتصادی، اخلاقی و شکوفایی معرفت، از تعاریف دیگر تمدن، معرفی شده است. (ویل دورانت ۱۳۳۱: ۱۹/۱)

2.1 مفهوم عزت

عزت در لغت یعنی شکست ناپذیری و حالتی که مانع مغلوب شدن انسان می‌شود. در اصل از «ارض عزاز»؛ یعنی زمین محکم و نفوذناپذیر گرفته شده است. (راغب اصفهانی ۱۳۸۳: ۱/ ۳۳۲) (طبرسی ۱۴۱۵: ۵۹/ ۲) و شیء کمیاب را از آن جهت عزیز و عزیزالوجود گویند که در آن، حالت توانایی قرار گرفته و رسیدن به آن، سخت است. با توجه به معنای صلابت و حالت شکست ناپذیری، این واژه، در معانی دیگری، از جمله: غلبه، صعوبت، سختی، غیرت، حمیت و غیره استعمال شده است. (یوسف: ۸۸) (ص: ۲) (ص: ۲۳) (فصلت: ۴۱) (توبه: ۱۲۸) عزت در معنای اولش به مفهوم قاهر و غالب بودن و نه مقهور و مغلوب بودن است، و معنای حقیقی آن، مختص به خدای عزوجل است؛ زیرا به غیر از خداوند، همه موجودات، ذاتاً فقیر و در نفس خویش، ذلیل هستند و مالک هیچ چیزی برای

خود نیستند، مگر آن که خداوند با رحمت خود، بهره‌ای از آن به آنان بخشد؛ چنان که این را با مؤمنان انجام داده و فرموده است: «و الله العزة و لرسوله و للمؤمنين» (منافقون: 8) (طباطبایی 1363: 27/17) در قرآن کریم نیز واژه عزت به همان معنای لغوی به کار رفته است؛ یعنی شکست ناپذیری، توانایی و مغلوب نشدن. واژه «العزة» ده بار و «عزیز» ۹۲ بار و مشتقات دیگر آن، بسیار در قرآن آمده و هر جا به معنای خاصی که گونه‌ای ارتباط با شکست ناپذیری دارد، اشاره دارد. چنان که این تعبیر، غالباً در معنای نیک و شایسته استعمال شده و ذات الهی را به «العزیز» یا «عزیز» توصیف می‌نماید: «و الله عزیز حکیم». (توبه: 40)

3.1 مفهوم حکمت

واژه عربی حکمت از ریشه ح ک م است. معنای اول این ریشه را برخی «بازداشتن» دانسته‌اند. (ابن فارس 1422 ذیل «حکم») همین معنا را در یکی از معانی ذکر شده برای حکمت می‌یابیم: علمی که انسان را از کار زشت باز می‌دارد. (طریحی ۱۳۶۲ / ذیل «حکم») بر همین اساس، لگام اسب را حکمة خوانده‌اند، چون اسب را از چموشی باز می‌دارد، و فرمان‌روا را حاکم خوانده‌اند چون ستمگر را از ستمگری باز می‌دارد. (ازهری 1382 ذیل «حکم»: ۴). این وجه معنایی برای حاکم، هم‌ریشگی حکمت و حکومت را معنادارتر می‌سازد و یادآور اندیشه کهن و افلاطونی حکیم، فیلسوف و حاکم است. به هر حال، اگر چه «بازدارندگی» عنصری مهم در مفهوم حکمت است، به نظر می‌رسد که حکم به معنای نهادن امور در جای خود (جرجانی 1845: ۱/ ۹۷) به نحوی جامع‌تر به مفهوم حکمت اشاره می‌کند که «تعادل» جای‌گاه ویژه‌ای در آن دارد. معنای دیگر حکم، یعنی نسبت دادن چیزی به چیز دیگر چه به نحو ایجابی چه سلبی (جرجانی 1845: ۱/ ۹۷) یعنی همان «حکم کردن»، نیز با مفهوم حکمت بی‌ارتباط نیست؛ درست داورى کردن درباره موقعیت‌های دشوار، مقدمه لازم برای تصمیم‌گیری و عمل درست و از اقتضائات حکمت است.

در زبان و ادبیات فارسی، حکمت به معنای دانایی، (احمدنگری 1395: ۴۵/۲) عدل و حلم و بردباری و درست‌کرداری و راست‌گفتاری (دهخدا 1377/ ذیل واژه) و نیز دلیل و سبب و جهت و غایت (فایده و مصلحت) به کار رفته، (تهانوی 1996 ذیل «حکیم») دهخدا، ذیل واژه. اما نزدیک‌ترین معادل فارسی برای حکمت، «فرزانگی» است.

4.1 مفهوم مصلحت

مصلحت در لغت به معنای صلاح، خیر و صواب است. و جمع مصلحت مصالح است. (ابن منظور 1416: ۵۱۶/۲) (فیومی 1396 ذیل «صلح») (طریحی ۱۳۲۱: 2/ 625).

در اصطلاح به معنای سبب رسیدن به مقصود شارع و به دست آوردن آن است اعم از عبادت که مربوط به حق خود شارع است یا عادت که برای نفع بندگان و انتظام معاش و احوال آنهاست. مراد اصولیین از مصلحت محافظت بر مقصود شرع است. مقصود شرع

نسبت به خلق پنج امر است بدین ترتیب: الف) حفظ دین، ب) حفظ نفوس، ج) حفظ عقول، د) حفظ نسل، ه) حفظ اموال. (حکیم 1394/ 381) پس آنچه متضمن و متکفل حفظ این اصول پنج‌گانه باشد مصلحت و آنچه سبب تفویت آن‌ها باشد مفسده نامیده می‌شود. حفظ این اصول خمسة در حد ضرورات بوده و از لحاظ مرتبه قوی‌ترین و بالاترین مصالح است فی‌المثل شارع مقدس برای حفظ دین فرمان به قتل کافر داده است و برای حفظ نفوس مردم قصاص را واجب ساخته است و برای حفظ عقول مردم شرب خمر را حرام دانسته و حدی برای آن تعیین نموده است و برای حفظ نسل و انساب مردم کیفری برای زنا معین فرموده است و برای حفظ اموال مردم به زجر و شکنجه سارقین و غاصبین فرمان داده است. (غزالی 140/1: 1390).

2. شاخصه های تمدن نوین اسلامی

منظور از «تمدن نوین اسلامی» علاوه بر شاخصه هایی که در «تمدن کهن اسلامی» همچون: ایمان، معرفت، جهاد، عدالت و اخلاق وجود دارد، شاخصه هایی مانند: عقلانیت، اقتصاد، رسانه و روابط بین الملل نیز دخیل هستند، و هنگامی که این شاخصه ها به طور صحیح در جامعه عینیت پیدا کنند، تمدن نوین اسلامی که همان جامعه مهدوی است تحقق پیدا خواهد کرد. انقلاب اسلامی، به عنوان آغازگر تجدید حیات تمدن نوین اسلامی با دارا بودن ظرفیت ها، امکانات، استعدادها و... می تواند با عنایت به کمک ها و امدادهای الهی و غیبی، تبعیت همه جانبه از رهبری دینی، حضور همراه با بصیرت و آگاهی و آمادگی همه جانبه به صورت مستمر در صحنه های یاریگری انقلاب اسلامی و نظام مقدس جمهوری اسلامی و... مسیر نیل به تحقق تمدن نوین اسلامی را هموار و تسهیل کند. (اکبری، رضایی 1393) (معینی پور، رضا لک زایی 1391)

3. خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی

بیانیه‌ی «گام دوم انقلاب» تجدید مطلعی است خطاب به ملت ایران و به‌ویژه جوانان که به‌مثابه منشوری برای «دومین مرحله‌ی خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی» خواهد بود و «فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی» را رقم خواهد زد. این گام دوم، انقلاب را «به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمیٰ (ارواح‌نافه) هست نزدیک خواهد کرد. از میان همه‌ی ملتهای زیر ستم، کمتر ملتی به انقلاب همّت می‌گمارد؛ و در میان ملتهایی که به‌پاخاسته و انقلاب کرده‌اند، کمتر دیده شده که توانسته باشند کار را به نهایت رسانده و به‌جز تغییر حکومتها، آرمانهای انقلابی را حفظ کرده باشند. اما انقلاب پُرشکوه ملت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید

است، تنها انقلابی است که یک چلّهی پُرافتخار را بدون خیانت به آرمانهایش پشت سر نهاده و در برابر همه‌ی وسوسه‌هایی که غیر قابل مقاومت به نظر میرسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دوّمین مرحله‌ی خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدّن‌سازی شده است. درودی از اعماق دل بر این ملّت؛ بر نسلی که آغاز کرد و ادامه داد و بر نسلی که اینک وارد فرایند بزرگ و جهانی چهل سال دوّم می شود.

(بیانیه گام دوم 1397) آن روز که جهان میان شرق و غرب مادّی تقسیم شده بود و کسی گمان یک نهضت بزرگ دینی را نمی‌برد، انقلاب اسلامی ایران، با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد؛ چهارچوب‌ها را شکست؛ کهنگی کلیشه‌ها را به رخ دنیا کشید؛ دین و دنیا را در کنار هم مطرح کرد و آغاز عصر جدیدی را اعلام نمود. طبیعی بود که سردمداران گمراهی و ستم واکنش نشان دهند، امّا این واکنش ناکام ماند. چپ و راست مدرنیته، از تظاهر به نشنیدن این صدای جدید و متفاوت، تا تلاش گسترده و گونه‌گون برای خفه کردن آن، هرچه کردند به اجل محتوم خود نزدیکتر شدند. اکنون با گذشت چهل جشن سالانه‌ی انقلاب و چهل دهه‌ی فجر، یکی از آن دو کانون دشمنی نابود شده و دیگری با مشکلاتی که خبر از نزدیکی احتضار میدهند، دست‌وپنجه نرم میکند! و انقلاب اسلامی با حفظ و پایبندی به شعارهای خود همچنان به پیش میرود. برای همه‌چیز میتوان طول عمر مفید و تاریخ مصرف فرض کرد، امّا شعارهای جهانی این انقلاب دینی از این قاعده مستثنا است؛ آنها هرگز بی‌مصرف و بی‌فایده نخواهند شد، زیرا فطرت بشر در همه‌ی عصرها با آن سرشته است. آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزّت، عقلانیت، برادری، هیچ یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌ای بدرخشد و در دوره‌ای دیگر افول کند. هرگز نمیتوان مردمی را تصوّر کرد که از این چشم‌اندازهای مبارک دل‌زده شوند. هرگاه دل‌زدگی پیش آمده، از روی‌گردانی مسئولان از این ارزشهای دینی بوده است و نه از پایبندی به آنها و کوشش برای تحقّق آنها. (بیانیه گام دوم 1397)

4. انقلاب تمدن ساز

انقلاب اسلامی ایجاد تمدن نوین اسلامی را هدف گذاری کرده و این را در فرمایشات مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب مشاهده می‌کنیم. ایرانیان دو دوره تمدنی ایران باستان و اسلامی را پشت سر گذاشته اند. پس در نتیجه استعداد و آمادگی ایرانیان برای انجام سه باره این تجربه وجود دارد و نیاز زیادی به زمینه سازی نیست؛ بنابراین تمدن، ظرفیت بالایی بسیج کنندگی را در ایرانیان دارد. تاریخ با امپراتوری ایران آغاز می‌شود و تمدن‌های چین و هند ذاتا ایستا بودند و باید خارج از تاریخ باشند، اما ایرانیان نخستین قوم تاریخی هستند. بنابراین به لحاظ جامعه شناختی طرح این بحث در کشور عبث و بیهوده نیست و شاید یکی از دلایلی که غرب انقلاب ایران را جدی می‌گیرد، چون صحبت از یک ملت ریشه دار تمدنی است. انقلاب اسلامی ایرانیان یک انقلاب تمدن ساز است، چون در میان انقلاب‌های بزرگ تنها انقلابی که از جهتی خلاف مسیر انقلاب‌های دیگر حرکت کرد انقلاب ماست. تفاوت انقلاب فرانسه، روسیه، چین، کوبا و ... در مقایسه با انقلاب ایران این است

جامعه، به سهولت اتفاق خواهد افتاد، زیرا تمام ظرفیت های ذهنی و مادی افراد جامعه به یک سو سوق داده خواهد شد. (مقام معظم رهبری 1397)

3.5 اقتصاد قوی

اقتصاد قوی نقطه‌ی قوت و عامل مهمّ سلطه‌نابذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه‌ی ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است. فقر و غنا در مادّیات و معنویات بشر، اثر می‌گذارد. تأکید بر تقویت اقتصاد مستقلّ کشور که مبتنی بر تولید انبوه و باکیفیت، و توزیع عدالت‌محور، و مصرف به‌اندازه و بی‌اسراف، و مناسبات مدیریتی خردمندانه است تأثیر شگرفی بر زندگی امروز و فردای جامعه دارد. مهم‌ترین عیوب، وابستگی اقتصاد به نفت، دولتی بودن بخشهایی از اقتصاد که در حیطه‌ی وظایف دولت نیست، نگاه به خارج و نه به توان و ظرفیت داخلی، استفاده‌ی اندک از ظرفیت نیروی انسانی کشور، بودجه‌بندی معیوب و نامتوازن، و سرانجام عدم ثبات سیاستهای اجرایی اقتصاد و عدم رعایت اولویّتها و وجود هزینه‌های زائد و حتّی مسرفانه در بخشهایی از دستگاه‌های حکومتی است. نتیجه‌ی اینها مشکلات زندگی مردم از قبیل بیکاری جوانها، فقر درآمدی در طبقه‌ی ضعیف و امثال آن است. راحلّ این مشکلات، سیاستهای اقتصاد مقاومتی است که باید برنامه‌های اجرایی برای همه‌ی بخشهای آن تهیّه و با قدرت و نشاط کاری و احساس مسئولیت، در دولتها پیگیری و اقدام شود. بی شک یکی از ضروریات تحقق جامعه متمدن اسلامی، اقتصاد مستقل و قوی است. «یا ایها الذین آمنوا کلوا من طیّبات ما رزقناکم و اشکروا لله إن کنتم إیاه تعبدون» (بقره: ۱۷۲) منظور لذت بردن از خوردن طعام نیست، بلکه توان یابی و کوشش در عرصه های زندگی و تکلیف است. (طبرسی ۱۴۱۵: ۸۲/۷؛ مجلسی ۱۴۰۳: ۹۹/۴۹) یعنی نگاه قرآن به هدف زندگی است نه خود زندگی. «وهو الذی سخر البحر لتأکلوا منه لحماً طریاً وتستخرجوا منه حلیةً تلبسونها وترى الفلک مواخر فیه ولتبتغوا من فضله ولعلکم تشکرون» (نحل: ۱۴) «و آمدنناهم بفاکهة و لحم مما یشتهون» (طور: ۲۲) «کلوا و اشربوا من رزق الله ولا تعثوا فی الارض مفسدین» (بقره: ۶۰) از نگاه قرآن حتی پیامبران نیز وابسته به این نیاز مادی هستند، زیرا آنها از کالبدی که نیاز به غذا نداشته باشد، ساخته نشده اند: «وما جعلناهم جسداً لا یأکلون الطعام وما کانوا خالدين» (انبیاء: ۸) (مهاجر نیا 1398)

4.5 عدالت و مبارزه با فساد

فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی، توده‌ی چرکین کشورها و نظامها و اگر در بدنه‌ی حکومتها عارض شود، زلزله‌ی ویرانگر و ضربه‌زننده به مشروعیت آنها است. «عدالت و مبارزه با فساد بخشی از مظاهر عزّت جمهوری اسلامی است که جز با شجاعت و حکمت مدیران جهادی به دست نمی‌آید. سرمداران نظام سلطه نگرانند؛ پیشنهادهای آنها عموماً شامل فریب و خدعه و دروغ است. امروز ملت ایران علاوه بر آمریکای جنایتکار، تعدادی از دولتهای اروپایی را نیز خدعه‌گر و غیر قابل اعتماد میداند. دولت جمهوری اسلامی باید

مرزبندی خود را با آنها با دقت حفظ کند؛ از ارزشهای انقلابی و ملی خود، یک گام هم عقب‌نشینی نکند؛ از تهدیدهای پوچ آنان نهراسد؛ و در همه حال، عزت کشور و ملت خود را در نظر داشته باشد و حکیمانه و مصلحت‌جویانه و البته از موضع انقلابی، مشکلات قابل حل خود را با آنان حل کند. در مورد آمریکا حل هیچ مشکلی متصور نیست و مذاکره با آن جز زیان مادی و معنوی محصولی نخواهد داشت». (مقام معظم رهبری ۱۳۹۷) در تمدن نوین اسلامی به لحاظ توسعه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی، عدالت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، و این معنا در آیات بسیاری از قرآن آمده است. گاه آن را وظیفه‌ی همه انبیاء (حدید: ۲۵) و گاه وظیفه خصوصی پیامبر اسلام (شوری: ۱۵) و زمانی آن را محبوب خداوند (حجرات: ۹) معرفی می‌کند. در جامعه متمدن اسلامی به دلیل اینکه عدالت به تقوا نزدیکتر است (مائده: ۸) روح جامعه سرشار از عدالت‌گستری است، تا آنجا که دشمنی با گروه یا حزبی، مانع از اجرای عدالت نمی‌گردد. (مائده: ۸) و اساساً در فرهنگ قرآنی انسان عادل، با ستم‌گر در یک طراز نمی‌گنجد. (نحل: ۷۶) در واقع عدالت وجه باقی و چهره همیشگی اسلام ناب است. (مقام معظم رهبری ۱۳۹۷)

نتیجه‌گیری

شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی مستلزم عزت، حکمت و مصلحت انقلابی است. روح تمدن اسلامی، با بعثت خاتم پیامبران بر کالبد جامعه انسانی دمیده شد و هسته نخستین تمدن اسلامی، در مدینه پی‌ریزی شد. منظور از «تمدن نوین اسلامی» علاوه بر شاخصه‌هایی که در «تمدن کهن اسلامی» همچون: ایمان، معرفت، جهاد، عدالت و اخلاق وجود دارد، شاخصه‌هایی مانند: عقلانیت، اقتصاد، رسانه و روابط بین الملل نیز دخیل هستند، و هنگامی که این شاخصه‌ها به طور صحیح در جامعه عینیت پیدا کنند، تمدن نوین اسلامی که همان جامعه مهدوی است تحقق پیدا خواهد کرد. بیانیه‌ی «گام دوم انقلاب» تجدید مطالعی است خطاب به ملت ایران و به‌ویژه جوانان که به‌مثابه منشوری برای «دومین مرحله‌ی خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی» خواهد بود و «فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی» را رقم خواهد زد. این گام دوم، انقلاب را «به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواح‌افاده) هست» نزدیک خواهد کرد. اولین و ابتدائی‌ترین گام در مسیر نیل به تمدن نوین اسلامی؛ دست‌یابی به اراده و همت جمعی انسانها، به خصوص در میان نخبگان و اندیشمندان است. عزت، حکمت و مصلحت سه ضلع موفقیت یک کشور هستند. مفهوم عزت برای جامعه ایرانی معنای مهمی است و ایران کشوری است که پیشینه‌ای چند هزار ساله دارد و تمدن ایرانی یکی از باسابقه‌ترین تمدن‌هاست. عوامل عزت، حکمت و مصلحت انقلابی عبارتند از: علم و پژوهش، ایمان و معرفت به خداوند، اقتصاد قوی، عدالت و مبارزه با فساد و... شاخه‌های عزت، حکمت، و مصلحت انقلابی عبارتند از: عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن. قرآن در موضوع روابط خارجی، پای بندی به چند اصل را مورد توجه قرار داده

است:الف. اصل دعوت ب. اصل نفی سبیل ج. اصل عزت اسلامی د. اصل التزام به پیمان
های بین المللی

منابع

* قرآن

* نهج البلاغه

منابع عربی

- ابن خلدون، عبدالرحمن، المقدمة، بیروت: دارالکتب اللبنانی، ۱۹۶۰.
- ابن فارس احمد، معجم المقاییس، بیروت: احیا التراث 1422 .
- ابن منظور، محمد بن مکرم، «لسان العرب»، بیروت: داراحیاء التراث العربی، 1416 ق
- احمدنگری، عبدالنبی بن عبدالرسول، جامع العلوم فی اصطلاحات الفنون، ج ۲، چاپ افست
بیروت ۱۳۹۵ / ۱۹۷۵.
- ازهری محمد بن احمد، تهذیب اللغة ج ۴، چاپ عبدالکریم عزباوی، قاهره (بی تا).
- امین عاملی، محسن، أعیان الشیعة، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات 1403.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع
1401.
- بیهقی، احمد بن الحسین، السنن الکبری، بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ سوم. 1424.
- تهانوی، محمد اعلی بن علی موسوعة کشف اصطلاحات الفنون و العلوم، بیروت: رفیق
۱۹۹۶.
- جرجانی علی بن محمد، کتاب التعریفات، ج ۱ چاپ گوستاو فلوگل، لایپزیگ ۱۸۴۵، چاپ
افست بیروت ۱۹۷۸.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، صحاح اللغة، تهران، امیری 1368.
- حکیم محمد تقی، الاصول العامه للفقہ المقارن، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب 1394
- حسینی احمد، رسائل الشریف المرتضی، چاپ مهدی رجائی، قم ۱۴۰۵-۱۴۱۰.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، «مفردات الفاظ القرآن»، قم: ذوی القربی، 1383.

- طریحی، فخرالدین بن محمد مجمع البحرین، ذیل «حکم»، چاپ احمد حسینی، تهران ۱۳۶۲ش.

- غزالی محمد، المستصفی، ج ۱ تهران: احسان ۱۳۹۰.

- قبانی مصطفی، اسبوع الفقه الاسلامی، دمشق: مجلس الاعلی بی تا.

- قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، بیروت: دار إحياء التراث العربی. ۱۴۰۵.

- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت: مؤسسة الوفاء ۱۴۰۳

منابع فارسی

- اکبری، مرتضی، و فریدون رضائی، دو فصلنامه الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، شماره ۵ بی تا.

- حمیم، سلیمان، فرهنگ معاصر یک جلدی انگلیسی فارسی، ویرایش چهارم، تهران: فرهنگ معاصر ۱۹۵۵م.

- خامنه ای، سیدعلی، بیانیه گام دوم انقلاب، تهران: سایت رهبر انقلاب اسلامی ایران ۱۳۹۷.

- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران ۱۳۷۷.

- طباطبائی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، تهران: بنیاد علمی فرهنگی علامه طباطبائی ۱۳۶۳.

- طبرسی، فضل بن الحسن، تفسیر مجمع البیان، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات ۱۴۱۵.

- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران: اشجع ۱۳۹۸.

- معینی پور، مسعود و رضا لک-زایی «ارکان امت واحده و تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری»، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی ۱۳۹۱.

سایت ها

- خبرگزاری حوزه

- خبرگزاری مهر

- خبرگزاری دین و اندیشه

- پایگاه اطلاع رسانی حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای